

امیر اطهر سهیلی مشاور
 کارگردان در گفت‌وگو با صبا:
**مهم‌ترین دغدغه‌ی ما،
 صلح بود**



همکاری با گروه فیلم «لطفاً بوق بزیند» به عنوان مشاور کارگردان از روی علاقه نسبت به موضوع فیلم بود یا صرفاً یک پیشنهاد کاری؟

زمانی که آقای فرهمند، ایده را با من مطرح کردند قرار بود من فقط مشورت‌هایی دربارۀ فیلمنامه و شکل گرفتن تحقیق و پژوهش با ایشان داشته باشم. ولی در هنگام پژوهش‌ها من واقعا به سوزۀ علاقه‌مند شدم و دوست داشتم در تیم اجرایی هم باشم که با تکمیل فیلمنامه، این علاقه بیشتر شد و قرار بر این شد که به عنوان مشاور کارگردان هم در فیلم همکاری کنم.

با وجود تغییر و تحولاتی که در طول ساخته شدن فیلم در فیلمنامه‌ی اولیه به وجود آمد، جایی بود که شما مخالف این تغییرات باشید و سعی کنید فیلمنامه را به همان راه اولیه هدایت کنید؟

چون کل این کار روی بحث و گفت‌وگو پیش می‌رفت، طبیعتاً من جاهایی هم مخالف بودم. با وجودی که آن صحنه‌ها را گرفته بودیم بعداً دوباره در پاره‌هاش صحبت و حذفشان کردیم. یعنی حتی ما تا روز آخر فیلمبرداری هم با هم بحث می‌کردیم که این پلانی که می‌گیریم پلان آخر هست یا نیست و کل فیلم روی همین بحث‌های دوطرفه پیش می‌رفت و گاهی حتی بازیگرها نیز وارد این گفت‌وگو می‌شدند.

فکر می‌کنید مهم‌ترین دغدغه‌ی این فیلم چیست؟

دغدغه‌ی مشترکی که من و کارگردان در این فیلم داشتیم، بحث صلح بود. اینکه هر کس یک نگاه شخصی نسبت به این مقوله دارد و در بعضی جاها، نگاه شخصی حاکم باعث شده عده‌ای از آدم‌ها با هم وارد جنگ بشوند و این جنگ‌ها هر روز بیشتر می‌شود. آقای فرهمند، حرف خوبی در این باره می‌زدند که اگر ما تعداد ساعت‌هایی که در جهان صلح برقرار بوده را کنار هم بگذاریم و بشماریم متوجه‌اند کبودن آن می‌شویم. این بحث صلح جهانی چیزی بود که برای ما مهم بود و دوست داشتیم تأثیرش را ببینیم. ما حتی آخرین بار که فیلم را بعد از جشنواره‌ی سینماحقیقت نگاه کردیم، باز هم به این فکر کردیم که بدترین اتفاق در این فیلم چیزی بود که ما دوست داشتیم باشد و نشد یعنی وارد شدن بودایی‌ها به بخشی از ماجرای این فیلم که ما نتوانستیم موافقت‌شان را جلب کنیم. یعنی جالب بود برای ما که همین بودایی‌ها که باعث مهاجرت مسلمانان از کشور خودشان شده‌اند «دالایی‌لما» را نیز مجبور به مهاجرت کرده‌اند و او نیز وضعیتش مثل مسلمانان مهاجری است که ما درباره‌شان فیلم ساخته‌ایم. این بحث صلح جهانی واقعا دغدغه‌ای بود که برای ما و همه‌ی گروه وجود داشت و تلاشمان را کردیم تا آن را به دغدغه‌ای بین‌المللی تبدیل کنیم.



لطفاً بوق بزیند

**رضا فرهمند
 مستندساز و دستیارش
 از مستند موفق
 «لطفاً بوق بزیند» می‌گویند:**

نخواستیم حسرت به دل بمانیم

فیلم «لطفاً بوق بزیند» به کارگردانی رضا فرهمند که درباره‌ی مسلمانان میانمار و کشتارهای فجیع آنها ساخته شده، دو جایزه‌ی مهم را از جشنواره‌ی سینماحقیقت گرفته است. این فیلم که در بخش مستند جشنواره‌ی فیلم فجر هم حضور دارد و در شرایط خاصی ساخته شده. این فیلم تا زمان حضورش در جشنواره‌ی فجر، جایزه‌ی سوم جشنواره‌ی رشد، جایزه‌ی بخش آیینی مذهبی و بخش مستند نیمه‌بلند را از جشنواره‌ی حقیقت گرفته است. گفت‌وگو با کارگردان و دستیار او را دربارۀ ساخت این فیلم می‌خوانید:



تعدادی پرسونل در سر تا سر دنیا گشتیم که اشتراک خاصی با این بحران داشته باشند، مثلاً فعالان حقوق بشر و از طریق اینها فیلم روایت شود تا یک زبان بین‌المللی داشته باشیم نه یک زبان صرفاً ایرانی. یعنی به جای اینکه یک ایرانی روایت کند، یک آمریکایی روایت می‌کند. البته آنچه را که ما می‌خواهیم روایت کند! در این جست‌وجو به تعدادی آدم رسیدیم از کشورهای مختلف که جلسهای با آنها تشکیل دادیم و سه خواسته‌مان را مطرح کردیم. ما در پی یک وکیل حقوق بشر برای تشکیل دادگاه و یک فعال حقوق بشر برای پیگیری مسئله‌ی هویت (که از مهم‌ترین مسائلی بود که برای مادر این فیلم وجود داشت) بودیم چون این آدم‌ها صولاً ملیت ندارند و ما کسی را می‌خواستیم که برای این آدم‌ها هویت پنا کند. البته یک شخصیت سوم هم داشتیم که در طول فیلم حذف می‌شود چون ما قسمتی از داستان را حذف کردیم. بنابراین دو موضوع هویت و دادگاه کودکان در لایه‌های فیلم ماند. که یک خانم آمریکایی و یک خانم و آقای استانی در نهایت بخش‌های مختلف را پذیرفتند. بنابراین ما مسئله‌ی ایرانی و مذهبی بودن را در این فیلم به‌طور کل کنار گذاشتیم.

موضوع گیری سیاسی ایران در قبال اتفاق میانمار دقیقاً درباره‌ی همین مسئله‌ی حقوق بشر است. منظور با وجود اینکه شخصیت‌ها از فعالان حقوق بشر هستند شما می‌گویید موضوع گیری ایرانی یا اسلامی نسبت به اتفاقات میانمار نداشته‌اید؟

به نظر من که اینطور نیست. ایران درباره‌ی موضوع میانمار، موضوع گیری رسانه‌ای کرد اما موضوع گیری که مثلاً درباره‌ی مسائل فلسطین داشت را در این باره نداشت و البته رسانه به این موضوع پرداخت چون به جز من، سه فیلمساز دیگر به کشورهای مختلف رفتند و در این باره فیلم ساختند و من با اینکه می‌دانستم به هر صورت این یک مسئله‌ی سیاسی است ولی فرض را بر این گذاشتم که عراقی‌ها، لبنانی‌ها، افغان‌ها و خیلی‌های دیگر هم مثل میانمار‌ی‌ها مسلمانند. پس این مسئله در فیلم من خیلی اهمیت ندارد.

خلاصه‌ی داستان

این مستند به زندگی قوم مسلمان میانمار در کمپ‌های موجود در هند می‌پردازد. سه شخصیت آمریکایی و لهستانی درصد از بین بردن موانع موجود برای حل مشکلات این مردم هستند. به موازات ماجرای اصلی مستند، صدایی در این فیلم وجود دارد که می‌خواهد ببیند این افراد تا چه اندازه حاضرند برای آوارگان میانمار‌ی فداکاری کنند.



پس فیلم شما زیر نظر حوزه‌ی خاصی از گروه‌های دولتی نبود؟

نه، نه اصلاً.

مسئله‌ی امنیت گروه در قبال اتفاق‌هایی که ممکن بود روی بدهد، برعهده‌ی چه کسی بود؟

هیچ امنیتی وجود نداشت. آقای هاشم‌زاده که ایشان هم فیلمی در هند ساخته‌اند و قبل از ما به آنجا رفته بودند، که سفارت ایران در هند و بخش فرهنگی سفارت هیچ گونه تمکمی به ایشان نکردند. خودشان گفته‌اند آنجا حتی یک جای هم جلوی من نگذاشتند. گفتند من یک پول اضافی هم دادم برای اینکه جایی رایه من برای اقامت معرفی کنند که امنیت داشته باشد.

با گروه شما هم همین برخورد شد؟

ما به هیچ وجه سفارت نرفتیم. چون دوستان دیگری هم در کشورهای دیگری به سفارت رفته و جوابی نگرفته بودند و اصولاً بخش فرهنگی سفارت‌های ما تمکمی نمی‌کند. یا حداقل من به عنوان فیلمساز‌ی که در این شرایط قرار داشتم، تمکمی دریافت نکردم. وقتی امنیتی وجود داشته باشد من به عنوان کارگردان می‌توانم ریسک کنم. این صحبتی را که می‌خواهم بگویم اولین بار است که مطرح می‌کنم. ما در فضایی بودیم که بودایی‌ها زندگی می‌کردند و قرار بود دالایی‌لما را ببینیم. رفتهیم سراغ نماینده‌ی او در هند و با او صحبت کردیم درباره‌ی این پروژه و از او خواستیم که به ما کمک کند. او بعد از اینکه متوجه شد ماجرا مربوط به میانمار است اصلاً حاضر به همکاری نشد و درستش این بود که ما عقب نکشیم و با وجود عدم همکاری آنها کارمان را انجام بدهیم ولی چون هیچ امنیتی وجود نداشت و هیچ پشتوانه‌ای نبود ما مجبور به عقب‌نشینی شدید و اصلاً وارد این مسئله نشدیم چون مسئولیت آدم‌های دیگر گروه تنها به عهده‌ی من بود و من این ترس را هم داشتم که رانش‌هایی که تا آن موقع گرفته بودیم را از دست بدهیم و جنجالی راه بیفتد. دو مسئله‌ی مهم، داشتن امنیت مالی و امنیت سیاسی بود که ما تقریباً هیچ کدام اینها را نداشتیم. یعنی ما براساس برآورد مالی می‌دانستیم که یک ماه می‌توانیم انجام‌مانیم و مثلاً فقط فلان غذا را بخوریم و نمی‌توانستیم از یک جایی به بعد پیمان را جلوتر بگذاریم چون از خط قرمز امنیت خارج می‌شدیم.

با وجود اینکه می‌گویید تمام وجهه‌های مذهبی یا به قول خودتان مسلمانی را در این فیلم کنار گذاشته‌اید اما در جشنواره به شما جایزه‌ی بخش آیینی، مذهبی تعلق می‌گیرد، نظرتان در این باره چیست؟

این برای خود ما هم مسئله‌ی جالبی بود. چون ما اصلاً در این بخش شرکت نکرده بودیم. نمی‌دانم چطور شده بود که فیلم رفته بود در بخش آیینی، مذهبی ولی دیدگاه داوران این بود که فیلم چون به یک موضوع مذهبی، نگاهی فرامذهبی کرده، برای ما جالب بود ولی خب فیلم جایزه‌ی بهترین فیلم نیمه‌بلند را هم گرفته و به هر جهت می‌خواهم بگویم فیلم اصلاً سیاسی نیست و در ادامه‌ی حرف قبلی بگویم که اگر ما آن امنیت‌ها را داشتیم اتفاقات خیلی بهتری می‌افتاد چون این فیلم با این موضوع و با این طرح، قابلیت بسیار بین‌المللی تر شدن را داشت.

جایی گفته بودید در نیمه‌های ساخت فیلم به ذهنتان رسید به شخصیت‌های اصلی، پیشنهاد کنید که بمانند و کمک کنند در صورتی که ممکن است پاسپورت‌هایشان گرفته شود. فکر نمی‌کردید یعنی قبول نکردن این پیشنهاد (که اتفاق هم افتاد) ممکن است هدف یارویکرد اصلی فیلم را به خطر بیندازد؟

ما درباره‌ی این ماجرا کاملاً ریسک کردیم چون

عوامل

کارگردان: رضا فرهمند /متولد: ۱۳۵۷ /بیرجند /تحصیلات: کارشناسی /فیلم‌شناسی: خیابان‌های ونک، تقاطع، اتاق سرود، تجربش، بی‌قراری /پژوهشگر: امیر سهیلی و رضا فرهمند /دستیار کارگردان: رضا کارفر /تصویربردار: داود عباسی، وحید بیوته /صدابردار: مرتضی عبور / صداگذار: حسن مهدوی /تدوینگر: معصومه شاه‌نظری /مدیر تولید: داود دربان /مجری طرح: رضا فرهمند /تهیه‌کننده: مهدی مطهر /تهیه‌شده در خانه‌ی مستند

می‌خواستیم در حد ممکن، ماجرا واقعی باشد. و در هر صورت در یک مستند همیشه یک ایده‌ی اولیه وجود دارد ولی فیلمساز باید خیلی انعطاف‌پذیری داشته باشد و از الهاماتی که در طول ساخت فیلم به او می‌شود استفاده کند و در هر لحظه بتواند فیلمنامه را بچرخاند. من در روز پنجم فیلمبرداری فکر کردم اگر این لایه را از فیلم بگیرم به فیلم خیانت کرده‌ام با اینکه ریسک بزرگی بود و من در نهایت دو نفر از شخصیت‌هایم را از دست دادم. البته حتی این حذف‌ها هم به مسیر تکامل فیلم بسیار کمک کردند چون آدم‌هایی که ما با آنها سر و کار داشتیم از یک جایی به بعد مجبور شدند خودشان برای خودشان تصمیم بگیرند نه یک نفر دیگر و این پیش‌بینی ما نبود چیزی بود که اتفاق افتاد و این فیلم از همین نظر با تولیدات دیگر مادر ایران متفاوت است.

فکر می‌کنید با وجود همه‌ی این مسائل چه عنصری بیشتر از همه، مستند شما را تأثیر گذار می‌کند؟

در میانه‌ی فیلمبرداریمان ناگهان یکی از پرسونل‌های اصلی که شخصی به نام «جعفر» بود ناپدید شد، یعنی هیچ‌چیز نتوانستیم پیدایش کنیم و این در حالی بود که تنها دو روز تا پایان زمان ویزایمان باقی مانده بود و ما مجبور شدیم باز فیلمنامه را عوض کنیم. من فکر می‌کنم یک فیلمساز اجتماعی رابطه‌ی خیلی نزدیکی با آسمان دارد و از فضا بسیار الهام می‌گیرد. لطف خدا اگر نبود و چیزهایی به ما نشان نمی‌داد شاید این اتفاق‌ها در این فیلم رخ نمی‌داد. ویزای من و مشاورم دو روز بیشتر از بقیه بود. این دو روز را ما صرف پیدا کردن لوکیشن، دیدن فعالان حقوق بشر و پیدا کردن محلی برای اقامت گروه کردیم. یعنی ما فقط دو روز پیش تولید داشتیم در هند و اگر این عنصر دیگر که من اسمش را گذاشتم «الهام آسمانی» وجود نداشت ما هم مثل سایر همکارها باید حسرت خیلی کارهایی که می‌توانستیم انجام بدهیم و نکرده‌ایم را بخوریم. شاید اگر جعفر نمی‌شد «کری» شخصیت آمریکایی فیلم نمی‌رفت. این فیلم چیزی که الان هست نمی‌شد. می‌خواهم بگویم این اتفاق‌هاست که فیلم را تأثیر گذار می‌کند.

کل پروژه‌ی ساخت فیلم چه مدت طول کشید؟

تا پایان پرسه‌ی تدوین تقریباً ۱۰ ماه طول کشید که ما البته بیشتر هزینه‌ی ممکن را برای تدوین کردیم و نتیجه‌ی بسیار خوبی گرفتیم چون با آدم‌های حرفه‌ای کار کردیم.

با وجود تمام اتفاقاتی که در طول ساخته شدن این فیلم رخ داد، بزرگ‌ترین مشکلی که واقعا شمارا آذینت کند چه بود؟

بزرگ‌ترین مشکل... واقعا بزرگ‌ترینش، نداشتن امنیت سیاسی بود... شاید هم امکان ریسک و همان طور که گفتم من طبق ایده‌ی اولیه‌ام خیلی دوست داشتم وارد بودایی‌ها بشوم و آنها هم سهمی در این فیلم داشته باشند. دوست داشتم وقتی یک بچه‌ی مسلمان در آن دادگاه از مشکلاتش می‌گوید، یک بچه‌ی بودایی هم بیاید و حرف بزند. خب این اتفاق اگر می‌افتاد ما بانگاهی چندوجهی فیلم را ساخته بودیم ولی حالا اولین چیزی که ممکن است به ما بگویند این است که شما یک سوپه به مسئله پرداخته‌اید.

برای حضور فیلم در جشنواره‌های بین‌المللی هم اقداماتی کرده‌اید؟

هنوز که فیلم را برای جشنواره‌های خارجی نفرستادیم. دنبال بخش‌کننده هستیم که خودش مسئله‌ی بسیار مهمی است.

